



## Examples of Inimitability of the Qur'anic Contents from the Perspective of Shi'ite and Sunni Exegetes; A Comparative Study

Lotfali Abdollahi Vashan\* | Majid Maaref\*\* | Sayyid Husayn Husayni Bujdani\*\*\* | Samaneh Zarei Husaynabad\*\*\*\*

Received: 2021/3/15 | Correction: 2021/12/20 | Accepted: 2021/12/20 | Published: 1400/07/25

### Abstract

To study the inimitability of the Qur'an, many Qur'anic exegetes have obviously paid more attention to its lexical and rhetorical features. However, it should not be forgotten that an important aspect of inimitability of the Qur'an can also be considered related to its content, which in its turn correlates to the inner meanings of the Qur'an. What can be deduced from the comparison shows that attention to this specific aspect of inimitability has been associated with strengths and weaknesses over the centuries. Accordingly, the present study tries through an analytical-comparative approach to examine the examples of the inimitability of the content of the Qur'an from the perspective of Shi'ite and Sunni scholars. Comparing the two viewpoints, one can recognize that although these two groups do not differ much in expressing the dimensions of the inimitability of the Qur'anic contents, the main discrepancy between them seems related to the type of attention to these examples. In addition, Sunni exegetes have paid more attention to this aspect in the first centuries, while their Shi'ite colleagues have mostly heeded these examples in contemporary times. Of course, a more careful study of the viewpoints of Shi'ite and Sunni scholars shows that there are some differences between them in the examples of contents and issues related to them. For example, one can refer to a case such as *butūn* (ventricles) of the Qur'an that, although its instances are quoted in the Sunni narrations, with a slight omission from the Prophet (PBUH) or his companions, do not raise a significant issue, however, the Shi'ites have paid special attention to it.



**Keywords:** Inimitability of the Qur'an, inimitability of content, semantic inimitability, Shi'ite exegetes, Sunni exegetes.

\* Ph.D. Graduated, Department of Qur'anic Studies, Islamic Azad University, Tehran, Iran | abdollahiali42@yahoo.com

\*\* Professor, Department of Qur'anic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran | maaref@ut.ac.ir.

\*\*\* Ph.D. Graduated, Department of Qur'anic Studies, Islamic Azad University, Tehran, Iran | hosein.bojdani@yahoo.com

\*\*\*\* Graduate Student, Department of Islamic Jurisprudence, Islamic Azad University, Shirvan, Iran | zarei67@gmail.com

□ Abdollahi Vashan, L.A; Maaref; M, Husayni Bujdani, S.h; Zarei Husaynabad, S . (2022) Examples of Inimitability of the Qur'anic Contents from the Perspective of Shi'ite and Sunni Exegetes; A Comparative Study. *Comparative Interpretation Research*, 8 (15) 272-300 . Doi: 10.22091/PTT.2022.5747.1793.



## بررسی تطبیقی مصادیق اعجاز محتوایی از دید مفسران فریقین

لطفعلی عبداللهی واشنان\* | مجید معرف\*\* | سید حسین حسینی بجدنی\*\*\* | سمانه زارعی حسین آباد\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

### چکیده

بسیاری از مفسران در بررسی اعجاز قرآن، بیشتر بر اعجاز بیانی و لفظی توجه داشته‌اند، در حالی که نوع مهمی از اعجاز در قرآن، محتوایی است. این نوع اعجاز با مقاهم درونی قرآن ارتباط دارد و آن‌چه از تطبیق استنتاج می‌گردد، نشان می‌دهد که توجه به این نوع اعجاز در طی سده‌های مختلف، باشد و ضعف‌هایی همراه بوده است. بر همین اساس، در این پژوهش با رویکرد تحلیلی- تطبیقی، مصادیق اعجاز محتوایی از دید فریقین بررسی شده است. در تطبیق دو دیدگاه، می‌توان گفت که مفسران فریقین، در بیان ابعاد اعجاز محتوایی اختلاف چندانی با هم ندارند و عمدۀ اختلاف دیدگاه‌های آن‌ها، مربوط به نوع توجه به این مصادیق است که مفسران اهل سنت در سده‌های نخستین بیشتر به آن‌ها توجه کرده‌اند، ولی در دوران معاصر، دانشمندان شیعه توجه فروزنتری به این مصادیق داشته‌اند. بررسی عمیق تر دیدگاه‌های فریقین، نشان داد که برخی اختلافات نیز در دو دیدگاه درباره مصادیق اعجاز محتوایی و مسائل مربوط به آن‌ها وجود دارد؛ مثلاً در مورد طعون قرآن کریم با وجود مسلم دانستن این مصادیق در نقل اهل سنت، با اندک اغماس از پیامبر (ص) یا صحابه بخش مطرح نمی‌شود، در حالی که شیعه بدان اهتمام ویژه داشته است.



**واژگان کلیدی:** اعجاز قرآن کریم، اعجاز محتوایی، اعجاز معنایی، مفسران فریقین.

\* دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). | abdollahiali42@yahoo.com

\*\* استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، ایران. | maaref@ut.ac.ir4

\*\*\* دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. | hosein.bojdani@yahoo.com

\*\*\*\* کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. | zarei67@gmail.com

□ عبداللهی واشنان، لطفعلی؛ معرف، مجید؛ حسینی بجدنی، س. حسین؛ زارعی حسین آباد، سمانه. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی مصادیق اعجاز محتوایی از دید مفسران فریقین، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی. ۸، ۱۵، ۲۷۲-۳۰۰. Doi: 10.22091/PTT.2022.5747.1793.

#### مقدمه

از سده‌های نخست نزول قرآن کریم، مفسران مسلمان به تحقیق در وجوده اعجاز قرآن پرداخته و وجوده مختلفی ذکر نموده‌اند. برخی از این وجوده، بر جنبه‌های لفظی و بلاغی مانند فصاحت و بلاغت، اسلوب و نظم تأکید دارد و برخی دیگر، به جنبه‌های محتوایی و معنایی چون: اعجاز علمی، اختلاف ناپذیری، اخبار غیبی و ... پرداخته است. در حقیقت برخی از دانشمندان، به اعجاز محتوایی به عنوان یکی از وجوده مهم اعجاز توجه داشته‌اند و بررسی این نوع اعجاز از مباحث مهم میان دانشمندان بوده که اهمیت تبیین آن برای رفع اختلاف میان مفسران نمایان است. با توجه به آن که مفسران فریقین، به موضوع اعجاز محتوایی پرداخته‌اند، در دیدگاه‌های آن‌ها شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد که بررسی آن می‌تواند میان دیدگاه فریقین درباره این نوع اعجاز باشد. بر همین اساس، پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین درباره اعجاز محتوایی می‌پردازد و از طریق بررسی سه سؤال اساسی پژوهش، این هدف را دنبال می‌کند:

۱. اعجاز محتوایی چیست و مهم‌ترین مؤلفه‌های اعجاز محتوایی نزد فریقین کدام است؟

۲. سیر تطور پرداختن به مبحث اعجاز محتوایی نزد مفسران شیعه و سنی چگونه است؟

۳. نقاط اشتراک و افتراق مبحث اعجاز محتوایی میان مفسران فریقین چیست؟

#### پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی تطبیقی مصاديق اعجاز محتوایی از دید فریقین می‌توان گفت: با توجه به اهمیت و افراد اعجاز محتوایی، این موضوع در هیچ کتاب یا مقاله‌ای به‌طور خاص بررسی انجام نشده است. از برخی از پژوهش‌هایی که مرتبط با این تحقیق هستند، می‌توان به مقاله «تأملی بر اعجاز تشریعی قرآن»، از عبدالکریم بهجت پور و حامد معرفت نام برد که در آن، قسمت‌هایی از اعجاز تشریعی را شرح داده است. مقاله دیگر با نام «اعجاز معنوی قرآن»، از عباس مصلایی پور یزدی و سجاد محمدنام است که نگارندگان در آن به اعجاز معنوی اشاره گذرا داشته، اما به مسأله تطبیق آرای مفسران نپرداخته‌اند. تازه‌ترین مقاله‌ای که به این بحث

پرداخته، از حمیده حائری پور با نام «اعجاز معنوی از دیدگاه ملاصدرا» است. نگارنده در این مقاله، اعجاز معنوی را از زاویه دید یکی از دانشمندان بررسی کرده است.

آنچه در این نوشتار واکاوی می‌شود، به صورت مشخص، در پی جمع‌بندی نظر مفسران و صاحب‌نظران فرقیین درباره مصادیق اعجاز محتوایی به صورت تطبیقی است که این امر با رویکرد معرفت‌شناسانه نسبت به اشتراکات و اختلافات دو فرقه در این نوع از اعجاز سامان یافته و برجسته‌ترین مصادیق اعجاز محتوایی را احصا کرده و درنهایت قدسی بودن قرآن را به لحاظ محتوا به اثبات رسانده که در هیچ کتاب یا مجله‌ای به طور کامل به این صورت بررسی نشده است.

### مفهوم شناسی

#### ۱. مفهوم اعجاز

اعجاز از دید لغویان، از ریشه «ع ج ز» و به دو معنای ناتوانی و کناره یک‌چیز آمده است (ابن فارس، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۵۴۷). برخی از مفسران معتقدند که انسان موجودی عاجز است؛ زیرا پایان کار او واماندگی و ناتوانی است (نک. طبرسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۷۸؛ بنابراین اعجاز در لغت، به معنای ایجاد ضعف در طرف مقابل است و معجزه، عملی است که دیگران قادر به انجام دادن آن نیستند. در بررسی دیدگاه مفسران، معجزه امری خارق العاده است که همانند سحر و جادو باطل کننده عقل نیست (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷۲؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳). از این‌جهت معنای اصطلاحی اعجاز از دید برخی، ضعف و ناتوانی انسان از آوردن مثل قرآن بیان شده است. (نک. قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۶۳؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۹۴)

#### ۲. مفهوم اعجاز محتوایی

اعجاز محتوایی به‌زعم دانشمندان، مرتبط با مفاهیم درونی قرآن است و محورهای مختلفی چون: هدایت بشر، وضع قوانین، اخبار از غیب، اعجاز علمی، اختلاف ناپذیری قرآن، تبشير و تنذیر، مشخص نمودن حقوق عامه و مسائل اخلاقی را شامل می‌شود (نک. کمالی دزفولی، ۱۲۹۲، ص ۵۹۴). تحقیق در محتوای قرآن و خصوصیات آن، حاکی از آن است که

این کتاب، از قلم هیچ‌کس تراوش نکرده، چه رسید به فردی که امی بوده است. این نوع از اعجاز، با عنوان "اعجاز معنوی" نیز در آثار برخی علماء دیده می‌شود؛ برای مثال، مطهری اعجاز قرآن را به دو گونه اعجاز لفظی و معنوی تفکیک نموده است (نک. مطهری، ۱۳۷۶، ۴، ص ۵۴۰). به عقیده جوادی آملی، اعجاز قرآن ذاتاً مربوط به محتواهی آن است و قرآن کریم از نظر محتوا، دربرگیرنده معارف والا و حکمت‌های مهم است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۴۱۰)

### ۳. ادله اعجاز محتوایی

برای پی بردن به درون‌مایه اعجاز محتوایی، تحلیل چند نکته اهمیت دارد که بر جسته‌ترین این ادله بدین صورت است:

- ۱-۳- هدف از نزول قرآن کریم، هدایت انسان است. بسیاری از آیات به این امر اشاره داشته‌اند. (نک. اسراء/۸۲؛ یونس/۵۷؛ فصلت/۴۴؛ جن/۲ و جاثیه/۲۰)
- ۲-۳- آیه \*افَلَّا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْءَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا\* (نساء/۳۲)، درباره عدم اختلاف در آیات قرآن، مربوط به محتوا می‌شود.
- ۳-۳- تحدي قرآن به هدایت‌گری دانسته شده و هدایت‌گری یکی از مفاهیمی است که در بیش‌تر سوره‌های آن تحقق یافته است.

### ۴. اعجاز محتوایی و مصاديق آن از دید فرقین

در اصل وجود مسئله اعجاز قرآن، اختلافی بین مفسران نیست؛ بلکه اختلاف در انواع اعجاز است که برخی از علماء آن را بیرونی (نک. سید مرتضی، ۱۳۸۲، ص ۹۳) و برخی دیگر آن را درونی دانسته‌اند (نک. زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۹۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۷۲). مفسران مصاديق گوناگونی را برای اعجاز محتوایی برشمرده‌اند که می‌توان به اخبار از غیب، اختلاف ناپذیری، اعجاز علمی، بطون قرآن و جامعیت قرآن اشاره کرد؛ البته توجه به این نوع از اعجاز در دوره متقدمان، به جهت تمرکز ویژه آن‌ها بر فصاحت و بلاغت کم‌تر بود و در دوره متأخران، به دلیل رواج خرافات بنی اسرائیل و جعل احادیث، توجه بیش‌تر به آن شد و

بالاخره در دوره معاصر به دلیل شباهت متعدد شرق شناسان درباره محتوای قرآن، به جنبه حداکثری رسیده است.

از آن جا که بنای این پژوهش، تفسیر تطبیقی این مصادیق در نگاه فرقین است، به صورت موردنی بر جسته ترین آن‌ها را گزینش و واکاوی کرده که مورد اتفاق فرقین است.

### الف) اختلاف ناپذیری

تاکید بر اختلاف ناپذیری قرآن کریم، از جمله مصادیق اصلی در مبحث اعجاز محتوایی است که مفسران فرقین از سده‌های اولیه به آن توجه داشته‌اند. اختلاف ناپذیری مفهومی کلی و مشتمل بر لفظ و محتواست. قرآن با این که در طول ۲۳ سال نازل شده و در موضوعات مختلف سخن گفته، هیچ اختلافی در محتوای آن مشاهده نمی‌شود. خداوند خود نیز در قرآن به این ویژگی تأکید دارد. (نساء/۸۲)

#### ۱. اختلاف ناپذیری در دیدگاه مفسران شیعه

عده‌ای از مفسران شیعه، بر اعجاز قرآن به جهت نبود اختلاف در آن تصریح کرده‌اند (نک. بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۳؛ خوبی، ۱۴۰۱، ج ۶۸؛ سبحانی، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۳۴۸). صاحب‌المیزان، با استناد به آیه ۸۲ سوره نساء بیان می‌دارد که از جمله تحدي‌های قرآن این است که با وجود وسعت و گستردگی موجود در معارف آن، اختلاف و تناقضی را در آن نمی‌توان یافت. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۸)

عده‌ای دیگر، آیه فوق و آیات مشابه آن را اثبات کننده اعجاز قرآن دانسته‌اند (نک. مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۳۳۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۴۰). برای نمونه، طبرسی عاری بودن قرآن از هرگونه اختلاف و تناقض را یکی از وجوده تحدي‌های قرآن دانسته است. هم‌چنین ذیل آیه \*الحمد لله الذي أنزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعُلْ لَهُ عِوْجَاجًا\* (کهف/۱)، بر عاری بودن قرآن از هرگونه تناقض و اعجاز قرآن در پیراستگی از اختلاف تأکید ورزیده است (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۸). در روایات تفسیری اهل‌بیت (ع) نیز این وجه از اعجاز قرآن دیده می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) در توصیف قرآن فرموده‌اند:

«وَفِيهِ تَبْيَانٌ كُلُّ شَيْءٍ وَذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضَهُ بَعْضًا، وَأَنَّهُ لَا اختِلافٌ فِيهِ، فَقَالَ سُبْحَانَهُ: وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا\* وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرٌ أَبْيَقُ وَبَاطِنٌ عَمِيقُ، لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ، وَلَا تَنْقَضِي غَرَائِبُهُ، وَلَا تُكَشِّفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ»؛

«در قرآن بیان هر چیز است و یادآوری گردیده که بعضی قرآن، گواه بعض دیگر است و اختلافی در آن نیست و فرموده: "اگر از سوی خدای یکتا نیامده بود، در آن اختلاف فراوان می‌یافتد." ظاهر قرآن زیبا، باطن آن ژرف و ناپیداست؛ عجایب آن سپری نگردد، غرایب آن به پایان نرسد و تاریکی‌ها جز بدان زدوده نشود». (شریف رضی، خ ۱۸)

برخی از مفسران شیعه، ضمن اشاره به نزول تدریجی قرآن، تأکید دارند که قوانین حاکم بر زندگی دنیا، بر دگرگونی و تکامل مبتنی است و همه انسان‌ها احساس می‌کنند که از روز قبل کامل‌ترند. از طرف دیگر، قرآن با این که نزول تدریجی داشته، کم‌ترین اختلاف در چینش کلمات آن دیده نمی‌شود، بلکه برخی مطالibus مفسر یک دیگرند (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۶). بر بنای این احتجاج، صاحبان دیدگاه فوق، مصونیت قرآن از اختلاف و تناقض را- با وجود این که در موضوعات متنوع و در موقعیت‌های گوناگون و در طی سال‌های متمادی نازل شده- دلیلی بر اعجاز قرآن در محظوظانه‌اند.

## ۲. اختلاف ناپذیری در دیدگاه مفسران اهل سنت

بررسی نگاشته‌های معرضان و کسانی که با اشتباه قرآن را دارای اختلاف و تناقض دانسته‌اند، ذیل برخی آیات قرآن، نشان می‌دهد که مواردی در این کتاب وجود دارد که به‌ظاهر موهم وجود اختلاف و تناقض است (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۶)؛ در حالی که خداوند در آیه ۸۲ سوره مبارکه نساء، آشکارا قرآن کریم را مبرا از اختلاف دانسته است. مفسران اهل سنت نیز در طول تاریخ، کتب تفسیری متعددی را در توضیح آیات- در مواردی که ظاهر آیه‌ای با دیگر آیات تعارض ظاهری دارد- نگاشته‌اند که با وجود اختلاف ظاهری برخی آیات، در حقیقت چنین چیزی وجود نداشته و آنان به دفاع از مصونیت قرآن از اختلاف و تناقض پرداخته‌اند؛ برای مثال، جصاص در قرن چهارم، در ذیل آیه ۸۲ نساء، به بحث اختلاف ناپذیری قرآن اشاره می‌کند. وی می‌گوید:

«اختلاف سه نوع است: اختلافی که موجب تناقض یکی از دو طرف شود و اختلافی که موجب تفاوت یکی نسبت به دیگری شود. این دو نوع اختلاف در قرآن موجود نیست. سومین گونه اختلاف، اختلاف تلائم است؛ یعنی تمام قرآن متلائم در حسن باشد؛ مثل اختلاف قرائات، تعداد آیه‌ها و اختلاف احکام». (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۸۲)

در دوران بعد برخی از مفسران، به این اظهارنظرها درباره اختلاف ناپذیری قرآن پرداخته‌اند (نک. ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۳۸). از دید فخر رازی، یکی از وجوده مهم اعجاز، همان تهی بودن آن از اختلاف است. (نک. فخر رازی، ۱۹۸۹، ص ۸۷)

پایه‌های استدلال به آیه ۸۲ نساء از دید مفسران چنین است: هیچ دانشمندی کلام طولانی نمی‌گوید جز این که در آن اختلاف فراوانی مشهود است - خواه در الفاظ باشد و خواه این اختلاف تناقض در معنا را برساند. (نک. ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۷۲۶)

بحث اختلاف ناپذیری قرآن در دوره متاخران اهل سنت، در آثار مفسرانی چون زمخشri دیده می‌شود (زمخشri، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۴۰). در دوره معاصر نیز برخی معتقدند که میان اجزای سوره‌ها، هم‌خوانی و هماهنگی ویژه‌ای وجود دارد (نک. سید قطب، ۱۴۰۸، ص ۵۳)؛ بنابراین قرآن از هر گونه اختلاف تهی است و با این که در موضوعات مختلف به ایراد سخن پرداخته، هیچ اختلافی در آن مشاهده نمی‌شود و این طور استنباط می‌گردد که اصلاً تصور وجود اختلاف در قرآن در نگاه اهل سنت در طی اعصار مختلف جایگاهی نداشته است.

همان‌طور که ملاحظه شد، هر دو فریق، در اثبات اختلاف ناپذیری قرآن، به آیه ۸۲ نساء تمسک جسته‌اند، اما تفاوتی که وجود دارد، مربوط به شدت و ضعف توجه به این مصادیق است که بیشترین توجه به موضوع اختلاف ناپذیری، از جانب دانشمندان اهل سنت مربوط به دوره متاخران است؛ در حالی که مفسران شیعه به این موضوع در دوره معاصر بیشتر پرداخته‌اند.

### ب) اخبار از غیب

الاخبار از غیب، از جمله وجود اعجاز محتوایی در قرآن است. غیب در برابر شهود به کار می‌رود و به هر آن‌چه از دنیای محسوسات خارج است، مربوط می‌شود (نک. ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل ماده غیب). خداوند در قرآن، از زندگی اقوام پیشین و پیامبران خویش پرده برداشته و خبرهایی از پیامبر اسلام، احوال وی و مقاصد اطراق‌افیانش داده و هم‌چنین خبرهایی را درباره آینده بیان نموده است. الاخبار غیبی قرآن غالباً در سه موضع توجه مفسران را جلب کرده است:

اول، دوره گذشتگان: قرآن در بخشی از الاخبار غیبی، حوادث پیشینیان را بازگو می‌کند و لذا می‌بینیم پس از ذکر سرگذشت نوح (ع) می‌فرماید: \*تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ فُوْحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِهَا...\*. (هو/ ۴۹)؛ «این‌ها از خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می‌کنیم؛ نه تو و نه قوم تو آن‌ها را پیش‌ازاین نمی‌دانستید...». دلیل اعجاز این خبرها این است که پیامبر (ص) بدون آموختش دیدن، چنین مطالبی را بیان فرموده‌اند.

دوم، دوره حاضر: در این دوره نیز خداوند اخباری را در اختیار رسولش گذاشته است. در سوره توبه می‌فرماید: \*يَحْذِرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةُ تُبْيَانٍ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ\* (توبه/ ۶۴)؛ «منافقان از این که سوره‌ای بر ضدشان نازل شود که آنان را از اسراری که در دل‌هایشان وجود دارد آگاه نماید، اظهار ترس و نگرانی می‌کنند». دلیل این که این نوع اخبار، معجزه به شمار می‌آید این است که قرآن از اتفاقات عصر پیامبر (ص) پرده برداشته است.

سوم، اخبار غیب مربوط به آینده: قرآن در بخشی از آیاتش، درباره امور مهم مربوط به آینده خبر داده است. مثلاً در سوره روم می‌فرماید: \*غُلَيْتِ الرُّومُ فِي أَذْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ\*؛ (روم/ ۳-۲)؛ «رومیان مغلوب شدند، در نزدیک‌ترین سرزمین و آنان پس از مغلوب شدنشان به‌زودی پیروز خواهند شد».

#### ۱. الاخبار غیبی در دیدگاه مفسران شیعه

روايات تفسیری شیعه، بر موضوع اخبار غیبی قرآن تصریح کرده‌اند. در یکی از این روايات، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند:

«وَفِي الْقُرْآنِ تَبَأَّ مَا قَبْلُكُمْ وَخَبَرٌ مَا بَعْدُكُمْ...»؛ «در قرآن خبرهای پیشینیان شماست و خبرهای آنان که بعد از شما می‌آیند...». (*نهج البلاعه*، حکمت ۳۱۳)

این وجه از اعجاز در دوره متقدمان، در آثار علمایی چون: شیخ طوسی و طبرسی دیده می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۲؛ طبرسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۷۲۱). طبرسی در شمارش وجود اعجاز قرآن، به نظم و فصاحت آن اکتفا نمی‌کند، بلکه اخبار از غیب را نیز از وجود اعجاز قرآن قلمداد می‌کند (نک. طبرسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶ و ۱۲۶ و ج ۶، ص ۱۱۰). در دوران معاصر، عده فزون‌تری از مفسران (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۰؛ طالقانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۹۰؛ مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۳۱)، به ایراد سخن پرداخته‌اند. در سیر این بحث، برخی معتقد‌نشد: در دوران جاهلی، وجود اخبار غیبی در قرآن مورد اتفاق اعراب نبود، اما گذشت روزگار بر صداقت آن اخبار صحه گذاشت (نک. بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۶). یا عده دیگر بر این باورند که خداوند در آیات بسیاری (نک. یوسف/۱۰۲؛ مریم/۳۴؛ مائدہ/۶۷؛ حجر/۹)، به اخباری از غیب اشاره فرموده و به بشر اعلام کرده است که اگر در معجزه بودن این کتاب شک دارید، کتابی بیاورید که مانند آن مشتمل بر اخبار از غیب باشد (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۴). صاحب المیزان، اخبار غیبی را یکی از وجود اعجاز قرآن دانسته است. ایشان در اثبات این وجه از اعجاز معنوی قرآن، به موضوع تحدى اشاره نموده و بیان داشته که خداوند در آیات فراوانی، به خبرهای غیبی خود تحدى نموده و به دیگران اعلام فرموده است که اگر شکی در آسمانی بودن این کتاب دارند، کتابی همانند آن بیاورند که مشتمل بر اخبار غیبی باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۴)

برخی از مفسران شیعه نیز اعجاز غیبی را پیوست اعجاز علمی قرآن کریم دانسته‌اند که خداوند امور نهانی هستی را در هر دو، بیان می‌نماید که بر پیامبر (ص) و دیگران پوشیده است (معرفت، ۱۳۹۳، ج ۶، ص ۲۵۶). بررسی دیدگاه مفسران شیعه، نشان می‌دهد که برخی از آن‌ها با تفسیر مفاهیم و واژگان قرآن کریم نیز در پی اثبات معجزه بودن اخبار غیبی آن برای پیامبر (ص) بوده‌اند؛ از جمله جوادی آملی ذیل آیه \*وَسَيَحْلُفُونَ بِاللَّهِ لَوْ أَسْتَطَعْتُنَا لَخَرْجَنَا مَعَكُمْ يَهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَقُلُّ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ\* (توبه/۴۲)، تصریح دارند که خداوند در این آیه،

این خبر غیبی را به رسول اکرم (ص) داد که شما می‌روید و سالم بازمی‌گردید؛ اما آن‌ها یعنی که مانندند و شما را یاری نرساندند، پس از بازگشت شما سوگند دروغ خواهند خورد که نمی‌توانستند بیایند؛ بنابراین جمله «سی‌حلفون بالله»، اخبار از غیب و معجزه‌ای برای پیامبر محسوب می‌گردد؛ چون ایشان با قاطعیت به مردم ابلاغ نمودند که این منافقان در آینده سوگند یاد می‌کنند و این واقعه نیز به‌زودی اتفاق افتاد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰)

بنابراین همان‌طور که گذشت، بیش‌تر مفسران شیعه به وجود اخبار از غیب در قرآن معتقد بودند و تفاوت موجود بین آن‌ها، مربوط به کمیت است نه کیفیت؛ یعنی در دوره متقدمان، توجه به اخبار از غیب کم‌تر شده و با نزدیک شدن به دوران معاصر، این توجه به جنبه حداکثری خود نزد مفسران شیعه رسیده است.

## ۲. اخبار غیبی در دیدگاه مفسران اهل سنت

بیش‌تر متفکران اهل سنت که توجهی در خور در مورد اعجاز محتوایی داشته‌اند، اخبار از غیب را از وجود مهم اعجاز محتوایی تلقی کرده تا جایی که حتی دیدگاه تفسیری معتبری که اعتقاد به صرفه داشت، اخبار از غیب را نیز در کنار سایر وجود قرآن مطرح کرد (رافعی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴). در سیر زمانی دوره متقدمان، برخی از دانشمندان این وجه از اعجاز را پذیرفتند. به اعتقاد خطابی، عده‌ای گمان کرده‌اند که اعجاز قرآن فقط به جهت دارا بودن خبرهای غیبی است. وی ادامه می‌دهد که تردیدی وجود ندارد این اخبار از وجود اعجاز قرآن است؛ ولی نمی‌توان به تمام سوره‌ها تعیین داد (نک. خلف الله، ۱۹۷۶، ص ۲۳). باقلانی نیز از دانشمندانی است که اخبار از غیب را به عنوان یکی از وجود اعجاز آورده است (نک. باقلانی، ۱۴۰۶، ص ۵۷). بحث اخبار از غیب، در دوره متأخران شتاب بیش‌تری گرفته و در آثار برخی دانشمندان یافت می‌شود (نک. بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۵؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۷۳؛ سیوطی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۸۰). اخبار از غیب، یکی از وجود اعجاز از نظر زمخشری است. وی در تفسیر آیه «فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِعْلَمٌ اللَّهِ» (هود/۱۴) می‌گوید: «یعنی با آن‌چه جز خداوند از آن آگاه نیست؛ یعنی خبرهای غیبی که بشر هیچ راهی به آن ندارد، همراه است». (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۲)

قرطی در میان وجوده مختلفی که برای اعجاز نام می‌برد، اخبار از غیب را نیز یادآور می‌شود (نک. قرطی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۴). سید قطب نیز به اخبار از غیب معتقد است. وی موضوع خلقت آدم را اخبار از غیب می‌داند و از کیفیت آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند (سید قطب، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۱۳۸). وی همه آنچه را نیز که در عالم طبیعت، برای بشر مجھول است، حکم امور غیبی بر آن می‌نهد (همان، ج ۲، ص ۱۱۱۵). برخی دیگر، فرشتگان را موجوداتی از عالم غیب دانسته، از سخن درباره حقیقت آنها خودداری می‌کنند (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۲۶). این سیر توجه به اخبار از غیب، در طول اعصار ادامه داشته و تقریباً تمام مفسران اهل سنت راجح به آن اظهار نظر جدی داشته‌اند. (نک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۳۷۷؛ زمخشri، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۳۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۵۱؛ مراغی، بی‌تا، ج ۲۸، ص ۴۹)

### ج) بواطن قرآن

بواطن قرآن، یکی دیگر از وجوده اعجاز معنایی این کتاب است. وجود باطن برای آیات قرآن، از نظر ثبوتی ممکن و از نظر اثباتی نیز روایات متواتر دال بر آن است و آیات قرآن بر آن تأکید دارند (۸۹/نحل). امیر المؤمنین (ع) در روایتی به بواطن قرآن اشاره داشته، می‌فرماید:

«سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوْقُدُهُ وَ بَحْرًا لَا يُدْرَكُ قَعْدُهُ» (نهج‌البلاغه، خ ۱۸۹)؛ قرآن چراغ فروزانی است که فروغ و تابش آن به خاموشی نمی‌گراید و دریابی عمیق است که فکر بشر به عمق و ژرفای آن نمی‌رسد».

در حقیقت دلیل اطلاق بطون قرآن بر اعجاز محتوایی این کتاب، آن است که قرآن همانند سایر کتب بشری نیست که هنگام تفسیر و تبیین آن، مبهمات و مشکلات آن حل گردد. هم‌چنین به ندرت بتوان نکته‌ای در آن یافت که پیشینیان از درک آن بازمانده باشند. قرآن یک کتاب تک‌بعدی و سطحی نیست که بتوان به شرح و تفسیر تمام محتوای آن پرداخت، بلکه دارای ابعاد متعددی است که دانشمندان طی قرون متمامی به تبیین آن‌ها پرداخته و معانی مختلفی از آن‌ها استخراج کرده‌اند و هنوز هم می‌توان در آن به کشفیات

تازه دست یافت. در حقیقت همه آنچه از قرآن برداشت شده است، به اندازه قطره‌ای است در برابر دریا و چه اعجازی بالاتر از این است.

#### ۱. بواطن قرآن در دیدگاه مفسران شیعه

دانشمندان شیعه، باطن قرآن مجید را آن معانی‌ای قلمداد کردند که آیات به صورت نهانی به آن اشاره دارند. امام علی (ع) می‌فرماید:

«وَإِنَّ الْقُرْآنَ الظَّاهِرُ أَبْيَقُ وَالباطِنُ أَعْمَقُ»؛ (همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست). (سید رضی، خ ۱۸) منظور از عمق معانی، حالت معمانگونه آن نیست، بلکه قرآن همه مسائل مربوط به انسان و هستی را در آیاتی مطرح نموده است که کلمات آن در کمال سادگی و زیبایی ادا شده‌اند. (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۲۶۶)

اصل وجود باطن در قرآن، مورد اتفاق مفسران شیعه است، اما در مفهوم اصلی باطن بین آن‌ها اختلاف وجود دارد (نک. بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۴). بعضی معتقدند که یکی از حکمت‌های وجود معانی باطنی قرآن، عدم ایستایی آن در طی زمان است (نک. عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۶). بعضی باطن هر آیه را عمل نمودن می‌دانند (نک. طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹). از دید برخی دیگر، باطن قرآن فهمی است از الله برای دانستن منظور او (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۱). از دید برخی، قرآن بر هفت حرف نازل شده است. هیچ حرفی از آن نیست، مگر این که دارای ظاهر و باطنی است و علم ظاهر و باطن نزد علی بن ابی طالب است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۰). برخی معتقدند تمام آیات قرآن بطن دارد (نک. نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۶۱) و برخی دیگر نیز بطن را به معنای تأویل دانسته‌اند. (نک. معرفت، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۲۸)<sup>۱۴</sup> اصولاً جاودانه بودن قرآن فقط در گرفتن بطون آن نیست؛ بلکه در بهره گرفتن از آن در کارها نیز هست. از این‌رو بواطن قرآن، اصل است و ظواهر آن فرع محسوب می‌شود؛ بنابراین از دید دانشمندان، هر بیان لفظی قرآن، نشات گرفته از یک معرفت کلی و هر معرفت کلی، اخذشده از یک معرفت کلی‌تر است تا به بطون قرآن نایل شود که در لوح محفوظ است (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۳-۶۴). برخی معتقدند که هرگز اختلافی بین بواطن

قرآن وجود ندارد؛ زیرا مراتب درونی آن مانند مظاهر بیرونی اش سخن خداست و اگر از نزد غیر خدا نازل می‌شد، حتماً با هم اختلاف داشت؛ بنابراین تمام مطالب قرآن از جهات گوناگون هماهنگ با یک دیگر است. (نک. جودی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۲۸ و ۴۱۰) دیدگاه شیعه این است که فقط معصومان می‌توانند شباهت را پاسخ دهند؛ چراکه آنان عالم حقيقی به قرآن هستند. (نک. نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۶۰)

همان طور که دیده شد، توجه به بطون قرآن از دوره مفسران متقدم، امثال شیخ طوسی آغاز شده است و مفسران شیعه در دوران معاصر توجه بیشتری بر بطون قرآن داشته‌اند.

## ۲. باطن قرآن در دیدگاه مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت نیز به وجود باطن برای آیات قرآن اتفاق نظر دارند (نک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۱۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷)، البته اختلافاتی در مفهوم باطن بین آن‌ها وجود دارد (نک. زركشی، ۱۹۵۷، ج ۲، ص ۱۶۹). برخی مفهوم باطن را برداشت و فهمیدن (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۵)، برخی اندرز و موعظه (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۲۰) و برخی دیگر رمز و راز (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷) تلقی نموده‌اند. برخی از مفسران آورده‌اند که پیامبر (ص) فرموده:

«قرآن بر هفت حرف نازل شده است. هر حرفی از آن دارای ظاهر و باطن است و هر حرفی حدی دارد و هر حدی نیز دیدگاهی». (طبری، ۱۴۱۲، مقدمه)

برخی از مفسران نیز بر این باورند که اعجاز قرآن به دلیل معانی آن است (نک. ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۶). عده‌ای دیگر معتقدند که قرآن لبریز از معانی والا و ارزشمند است (نک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۶۳). برخی مثل ابن تیمیه، وجود بطون برای قرآن را انکار می‌کنند (نک. فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۱) و برخی دیگر به وجود باطن برای آیات معتقدند (ذهبی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۸). بعضی دیگر یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن را معانی ظریف آن دانسته‌اند (نک. شریینی، بی‌تا، ص ۲). به باور برخی دیگر، یکی از وجوه اعجاز قرآن، دقت در زیبایی بیان معانی است - چه آن

معنا امری حقیقی باشد و چه خیالی و در حوزه هدایت باشد یا گمراهی. (نک.  
دراز، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۴)

#### د) اعجاز علمی

اعجاز علمی، مصدق دیگر از اعجاز محتوایی است. اعجاز علمی یعنی قرآن کریم از اسراری علمی پرده برداشته که کسی قبل از نزول وحی از آن آگاه نبوده است. این نوع از اعجاز، در قرن‌های اخیر جایگاه ممتازی پیدا کرده است؛ چون علوم تجربی رشد کرد و اسرار علمی قرآن را آشکار نمود. عده‌ای موافق اعجاز علمی قرآن و عده‌ای مخالف هستند. نظر میله در اعجاز علمی قرآن این است که می‌توان از مسائل قطعی علوم برای استنباط عمیق‌تر آیات استفاده کرد.

#### ۱. اعجاز علمی در دیدگاه مفسران شیعه

مسئله اعجاز علمی قرآن در میان مفسران معاصر شیعه بسیار اهمیت داشته و بسیاری از آنان به این موضوع پرداخته‌اند (نک. قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۰؛ صافی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۷؛ عروضی حویزی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۶۵؛ شریعتی، ۱۳۴۶، ج ۱، ص ۱۱؛ صادقی، ۱۴۰۶، ج ۲۹، ص ۳۴۱). گروهی از مفسران شیعه درباره اعجاز علمی معتقدند که قرآن با توجه به هدف نزول، در اصل کتاب هدایت آدمی است که تمامی تعالیم آن نیز در جهت تعالی و تربیت بشر است. با این حال در برخی آیات، به منظور تعالی و تربیت آدمی، اشاراتی گذرا به مسائل علمی داشته که نشان‌دهنده اعجاز علمی قرآن است. (معرفت، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۵۰) هم راستای این بحث، برخی در تفسیر آیه شریفه **\*اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا\*** (رعد/۲)؛ «خدا [همان] کسی است که آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آن‌ها را مشاهده کنید برافراشت»، اشاره به اعجاز علمی قرآن نموده، می‌گویند: «یعنی آسمان را بدون ستون‌های قابل دید بنا کرده است که از وجود قوه جاذبه و دافعه بین کرات خبر می‌دهد و قرآن از این قانون در حدود هزار سال پیش پرده برداشته است». (نک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۱۰)

عقیده برخی دیگر از علماء این است که قرآن در دوران جاهلیت، به مطالب علمی شگفت‌آوری اشاره کرده که اعجاب مردم آن دوران را برانگیخته است (نک. خوبی، ۱۴۰۱، ۹۱). لذا اگر به‌واسطه علوم بخواهیم محتوای آیات را بفهمیم، مسیر سختی را انتخاب کرده‌ایم؛ دلیلش این است که اولاً فرضیات علمی از ویژگی ثبات برخوردار نیستند؛ ثانیاً اگر انسان بتواند بعضی از مبهمات امور را با علوم قطعی برطرف کند، ممدوح است، به شرطی که ادعای قطعی بودن آن دانش‌ها را نداشته باشد تا اگر احیاناً آن علوم دچار تغییر شدند، آسیبی به چهره قرآن کریم وارد نشود.

## ۲. اعجاز علمی در دیدگاه مفسران اهل سنت

بررسی منابع تفسیری اهل سنت، نشان می‌دهد که بسیاری از مفسران اهل سنت به اعجاز علمی قرآن توجه داشته‌اند (نک. زمخشri، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۲۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۶۳؛ ابوحجر، ۲۰۰۱، ص ۳۸۰؛ طنطاوی، ۱۳۵۶، ج ۸، ص ۱۳۰؛ رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۷، ص ۳۹۵) که در میان نظریات آن‌ها، چند دیدگاه در این زمینه غالب است:

دیدگاه نخست بر این باور است که قرآن به‌واسطه در برگرفتن امور دقیق و ظریف علمی معجزه است. (نک. ابوالسعود، ۲۰۰۱، مقدمه)

برخی دیگر بر این باورند که قرآن برای مسئله علم نزد همه و به‌خصوص مسلمانان اهمیت ممتازی قائل است. به عقیده آنان، قرآن به دنبال اثبات عجایب خلقت است تا مسلمانان را به آگاهی از حقایق معانی اش رهنمون سازد (نک. طنطاوی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۴۳). این گروه از دانشمندان، در راستای دیدگاه خویش درباره اعجاز علمی قرآن، تلاش می‌کنند معجزات پیامبران از جمله معجزه حضرت موسی (ع) را از جنبه علمی بررسی نمایند و معتقدند وقتی موسی (ع) عصا را بر سنگ زد و دوازده چشمه از آن جاری شد، این ضربه را زد تا اندیشه‌ها، محظوظاً شکفتی‌های آفرینش شوند. مفسرانی که بر دیدگاه فوق هستند، مسلمانان را به جست‌وجوی علوم تشویق می‌کنند تا در مورد جهان بیندیشند و به این درک برسند که کوه و سنگ به متزله عصای حضرت موسی (ع) هستند (نک. طنطاوی، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۷۰). عده‌ای دیگر تلاش می‌کنند معجزات مطروحه مثل سرد شدن آتش بر

ابراهیم (ع) را معجزه بنامند و معتقد‌نند که آن‌چه باعث خاموش شدن آتش شد، فرمان الهی و اعجاز بود نه باران. (نک. شعروایی، ۱۳۸۷، ص ۹)

#### ۵) جامعیت قرآن

جامعیت قرآن، یکی از موضوعات مرتبط با شناخت قرآن است که نقش مهمی در فهمیدن آن دارد. این جامعیت، موضوعات گوناگونی از جمله: اخلاق، علوم، مسائل اجتماعی، عقاید، احکام و تاریخ را دربر می‌گیرد. دانشمندان به این جامعیت، در طول دوره‌های مختلف توجه داشته‌اند و قرآن در این زمینه آشکارا سخن به میان آورده است. (نک. سوره نحل، آیه ۸۹)

موضوع جامعیت قرآن، از جمله مباحثی است که در آغاز نزول آن نیز مطرح بوده، اما درباره کیفیت و نوع آن میان مفسران مسلمان اختلاف وجود داشته است. پیشینه بحث درباره جامعیت قرآن، به زمان صحابه و امام علی (ع) بر می‌گردد (نک. کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۰)؛ اما موضوع اساسی در این زمینه، حیطه‌های آن و کیفیت آن است که مفسران دیدگاه‌های متفاوتی در این‌باره دارند که در ادامه با تفکیک دیدگاه مفسران فریقین، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش برآمدۀ‌ایم.

##### ۱. جامعیت قرآن در دیدگاه مفسران شیعه

اعتقاد به جامعیت قرآن، در دیدگاه تفسیری شیعه، از جمله اصلی‌ترین لوازم تفسیر محسوب می‌گردد و مفسران شیعه از همان قرون آغازین تفسیر، به آن توجه داشته‌اند. بر همین اساس نیز می‌بینیم در روایات تفسیری اهل‌بیت (ع)، بر موضوع جامعیت قرآن تأکید گردیده است؛ از جمله در روایتی تفسیری از امام علی (ع) درباره جامعیت قرآن آمده است: «وَاللَّهُ سَبَحَانَهُ يَقُولُ \*مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ\*» (انعام، ۳۸) و فيه تبیان لکل شیء؛ «خداوند سبحان می‌فرماید: در قرآن از هیچ چیز فروگذار نکردیم و در آن احکام همه‌چیز بیان شده است». (سید رضی، خطبه ۱۸)

هم‌چنین در روایتی دیگر آمده است:

«فَإِنَّ فِي الْقُرْآنِ بِيَانَ كُلِّ شَيْءٍ؛ فِيهِ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ»؛ «در قرآن بیان همه‌چیز آمده است. در آن دانش پیشینیان و پسینیان وجود دارد». (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۶۸)

امام صادق (ع) نیز در تبیین جامعیت قرآن می‌فرمایند:

«خداوند همه‌چیز را در قرآن تبیین کرده است. به خدا سوگند! در چیزی که موردنیاز مردم بوده کوتاهی نکرده تا کسی نگوید اگر فلان موضوع صحیح است باید در قرآن نازل می‌شد». (نک. بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۰)

در تفسیر شیعه درباره جامعیت قرآن، دو دیدگاه وجود دارد:

۱- جامعیت مطلق: یعنی قرآن چه در جنبه هدایتی و چه غیر آن، جامع است. برخی معتقدند، یکی از امتیازات خاص قرآن این است که تمام علوم در آن قابل دسترسی است - چه آن علومی که بشر در حال حاضر به آن راه یافته و چه دانش‌هایی که هنوز بر بشر مکشفوف نشده است. (نک. شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۱؛ جعفری، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۹۴)

۲- جامعیت در امور هدایتی: گروهی دیگر از مفسران شیعه، با استدلال به این که قرآن کتاب هدایت بشر است، جامعیت آن را تنها مربوط به امور هدایتی و تربیتی دانسته‌اند. بنابراین طبق دیدگاه تفسیری شیعه، قرآن در ابعاد مختلف جامعیت دارد؛ طوری که این جامعیت در ادیان دیگر مشهود نیست؛ زیرا قرآن در زمینه‌های مختلف از جمله: سیاست، تاریخ، اقتصاد، فرهنگ و موضوعات اجتماعی، فردی و فرهنگی برنامه جامع دارد و آن‌چه مهم جلوه می‌کند، این است که به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شود؛ بنابراین همین خصوصیات، قرآن را دارای ویژگی اعجاز می‌داند.

## ۲. جامعیت قرآن در دیدگاه مفسران اهل سنت

بررسی نظریات تفسیری اهل سنت، نشان می‌دهد که مفسران این فرقه، اصل جامعیت قرآن را قبول دارند، اما در نوع این جامعیت هم عقیده نیستند؛ عده‌ای دیدگاه‌شان بر جامعیت مطلق قرآن است و در مقابل، برخی دیگر این مطلق بودن را نپذیرفته‌اند. دیدگاه‌های تفسیری آنان عبارتند از:

۱- جامعیت حداقلی: برخی از مفسران معتقدند که تأکید شرع اسلام بر امور اخروی است نه دنیوی و به آیه شریفه \*وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ\* (ذاریات/ ۵۶) استناد می‌کنند. (آل‌وسی، ج ۷، ص ۴۵۴؛ دراز، ۱۳۸۳ ق، ج ۶، ص ۹۰)

۲-۲- جامعیت در امور دینی و هدایتی: بدین معنا که اگر مطالبی از علوم مختلف در قرآن آمده، فقط وجه تربیتی و هدایتی آن مورد نظر است (نک. ذہبی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۹۸). برخی جامعیت قرآن را مشتمل بر آنچه برای هدایت بشر لازم است- اعم از حلال و حرام، هدایت و ضلالت و ...- دانسته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۱۰۹)

۲-۳- جامعیت مطلق: این گروه معتقد‌نشدند، هر چیزی که در قرآن بشود به آن در ک و فهم پیدا نمود، قابل دیدن است؛ البته ممکن است عقل ما در شناخت پاره‌ای از آن امور ناتوان باشد (نک. سیوطی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۷۵). در حقیقت این گروه، بر این باورند که همه علوم در قرآن نهفته است. (نک. زرکشی، ۲۰۰۱، ج ۲، ص ۱۸۲)

### وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های فرقین

در تحلیل و بررسی دیدگاه‌های مفسران فرقین می‌توان اظهار داشت: بیشتر تمرکز متقدمان بر فصاحت و بلاغت قرآن استوار بوده که این مسأله در گذر زمان و به صورت تدریجی، به سمت اعجاز محتوایی کشیده شده است. اعجاز محتوایی از منظر دانشمندان سده‌های اولیه (۱-۵) موضوع ارزشمندی از حیث توجه و خلق اثر و اظهار نظر در این زمینه نبود؛ علتش این است که از نظر متقدمان، مهم‌ترین نوع از اعجاز همان مباحث ادبی بود. پس طبیعی است در چنین زمانی، نه خبری از نقدهای محتوایی به قرآن باشد و نه اثری از مغرضان و ایرادات فراوان آنان به محتوای آن؛ بنابراین بیشتر وقت آن‌ها به فصاحت و بلاغت قرآن مصروف شد؛ زیرا آن‌ها تخصص ویژه‌ای در این کار داشتند و در ک آن‌ها نسبت به این وجه از اعجاز بیشتر از سایر وجوه بود. البته مطالبی از اعجاز محتوایی ولو اندک در خلال سخنان آن‌ها دیده می‌شود.

در دوره متأخران (قرن ۱۴-۱۵)، دیدگاه‌ها درباره اعجاز محتوایی قرآن، بیشتر شد و مفسران این دوره، رشد فزاینده‌ای در این خصوص نسبت به هم‌کیشان خود در دوره متقدمان داشتند؛ زیرا در این دوران، خرافات بنی اسرائیل و جعل احادیث رواج یافته بود، به طوری که حق از باطل قابل شناسایی نبود؛ بنابراین با وجود مسائلی که مطرح شد، سمت وسوی گرایش‌ها به سوی مطالب محتوایی قرآن چرخش پیدا کرد؛ اما مسأله در دوران معاصر کاملاً متفاوت

است و توجه مفسران به اعجاز محتوایی قرآن به حداکثر رسیده است؛ زیرا در این عصر، انتقادات دشمنان نسبت به ساحت قرآن کریم بیشتر از هر دوره‌ای دیگر بوده است. شباهت متعدد شرق شناسان درباره محتوای قرآن و ادعای تناقض مطالب آن در عصر حاضر، گویای این مطلب است؛ لذا کاوش درباره اعجاز محتوایی در دوران کنونی، به دلیل تأثیر ویژه آن در آشکار ساختن معارف قرآن، غنی شدن موضوعات این کتاب، نقد اشکالات منتقدان و دفاع از حرمت قرآن در برابر غرض‌ورزان، افزون‌تر از قبل شده است.

درباره نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌های فرقین می‌توان اظهار داشت که دانشمندان فرقین در بیان اختلاف‌ناپذیری، اخبار از غیب، جامعیت قرآن، اعجاز علمی و بطون قرآن اختلاف چندانی ندارند و عده اختلاف، به شدت و ضعف توجه به این مصادیق است که توجه اهل سنت در سده‌های نخست به آن‌ها بیشتر بوده ولی در دوران معاصر، دانشمندان شیعه بسیار پررنگ‌تر از اهل سنت به آن‌ها توجه نشان داده‌اند، اما مسئله در بطون قرآن متفاوت است و هر دو فرقه برای اثبات وجود بطون قرآن، به بعضی از آیات (نک. نحل / ۴۹؛ یوسف / ۱۱۱) استناد کرده‌اند (نک. رجبی، ۱۳۹۶، ص ۲۵۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۷). ازنظر هر دو، وجود بطون برای قرآن امری مسلم است. روایاتی در منابع شیعی (نک. عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۶) و اهل سنت (نک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۲) است که بر وجود بطون برای آیات قرآن دلالت دارد. تفاوت در این جاست که در روایات اهل سنت برخلاف شیعه، توضیحی درباره بطون قرآن از پیامبر (ص) یا صحابه دیده نمی‌شود به جز یک مورد از ابن عباس که می‌گوید: «...بطون قرآن، تأویل آن و ظهر آن، تلاوت است»(نک. سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۵۰). در بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فرقین، نکات مشترکی در معنای بطون دیده می‌شود. از جمله:

۱. به معنای مراتب ترتیلی قرآن از مبدأ اعلا تا عالم طبیعت. (نک. خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۱)
۲. بطون به معنای تأویل (نک. معرفت، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۲۸؛ شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۹۸)
۳. وجود بطون برای تمام آیات. (نک. نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۶۱)

تفاوت شیعه با اهل سنت در این است که به باور تشیع، موصومان تنها مرجع حقیقی برای دفع شباهت به شمار می‌آیند و آن‌ها عالم به قرآن هستند (نک. همان، ص ۶۰). نظر شیعه در اینجا به عقل نزدیک‌تر است؛ زیرا موصومان (ع)، مقرب درگاه الهی هستند و خداوند سرچشمه‌های غیب و علم را در اختیار آن‌ها قرار داده است؛ چراکه امام باید به آن‌چه برای پاسداشت دین از تحریف لازم است، علم لدنی داشته باشد و گرنه نمی‌تواند با علوم اکتسابی پاسخ درستی به شباهت بدهد. نکته دیگر این‌که ابن تیمیه وجود بطون برای قرآن را منکر بود و عقیده داشت هیچ‌کس از اهل علم چنین چیزی نیاورده است (نک. فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۱)؛ در حالی که ذهبي در این‌باره می‌نويسد: «امامیه می‌گویند: قرآن ظاهری و باطنی دارد. این حقیقتی است که ما نیز آن را می‌پذیریم؛ چون نزد ما روایات صحیح در این‌باره وجود دارد ... نهایت آن که امامیه بر حد این روایات متوقف نشده و گفته‌اند قرآن ۷۷ بطن دارد». (ذهبي، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۸)

#### نتیجه

در این نوشتار، اعجاز محتوایی قرآن از دیدگاه مفسران فرقین به شکل تطبیقی بررسی گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که اعجاز محتوایی، عنوان عامی است که با عنوانین اعجاز معنوی، مضامونی و معارفی نیز تعبیر شده است. این نوع از اعجاز، با مفاهیم درونی قرآن ارتباط دارد و ابعاد و محورهای مختلفی همانند اختلاف ناپذیری، هدایت بشر، اخبار غیبی، اعجاز علمی، معارف قرآنی و ... را شامل می‌شود.

بررسی رویکرد مفسران فرقین در برخورد با اعجاز محتوایی قرآن، نشان داد که مفسران متقدم، به دلیل توجه بیش‌تر بر جنبه‌های بلاغی و لفظی قرآن، کم‌تر به اعجاز محتوایی توجه داشته‌اند؛ اما در میان مفسران متاخر فرقین، گرایش به سمت بررسی اعجاز محتوایی قرآن بیش‌تر از گذشته شد و در دوران معاصر نیز به دلیل رواج شباهات و گرایش‌هایی که محتواهای غیر الهی دارند، به اعجاز محتوایی بیش‌تر توجه شده است؛ ضمن آن‌که تطبیق شدت و ضعف توجه مفسران دو فرقه به مسائله اعجاز محتوایی، نشان داد که در دوران معاصر، مفسران شیعه توجه بیش‌تری به این مسئله داشته‌اند.

تحقیق حاضر نشان داد با وجود آن که مفسران فرقین، در بررسی جنبه‌های اعجاز محتوایی قرآن دارای شباهت‌های زیادی در دیدگاه بوده‌اند، در برخی جنبه‌ها نیز اختلافاتی داشته‌اند؛ برای مثال، بیشتر صاحب‌نظران شیعی، معتقد‌ند معصومان (ع) می‌توانند به دفع شباهت پردازند و آب‌شور تفسیر آیات الهی، از علم و معرفت آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، حال آن‌که این نظر در اهل سنت مطرح نشده و آن‌ها بدان معتقد نیستند. تفاوت دیگر این است که اکثریت هر دو فرقه وجود بطون برای آیات قرآن را قبول دارند، با این تفاوت که برخی مثل ابن تیمیه، وجود بطون برای قرآن را انکار می‌کنند اما این مسئله مورد اتفاق مطلق شیعه است.

**منابع**  
قرآن کریم.  
نهج البلاغه.

آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق)، **تفسیر روح المعانی**، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.

ابوالفتح رازی، جمال الدین حسین بن علی بن محمد (۱۳۷۱ ش)، **تفسیر روض الجنان و روح الجنان**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ ق)، **تفسیر العلوم التزلیل**، تحقیق: عبدالله خالدی، بیروت: دارالارقم بن ابی الارقم.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ق)، **زاد المسیر فی علم التفسیر**، تحقیق: عبدالرازاق المهدی، بیروت: دارالکتب العربی.

ابن عطیه، عبدالحق (۱۴۲۲ ق)، **تفسیر المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز**، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن فارس، احمد (بیتا)، **معجم مقاييس اللغة**، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر للطبعاء و النشر و التوزیع.

ابوالسعود، محمد (۱۹۲۸ م)، **تفسیر ارشاد السليم الى مزايا القرآن الكريم**، قاهره: المطبعه المصريه.

ابوحجر، احمد عمر (۲۰۰۱ م)، **التفسیر العلمي للقرآن في الميزان**، بیروت: دارالمدار الاسلامی.

ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، **تفسیر البحر المحيط فی التفسیر**، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر.

باقلانی، ابوبکر (۱۴۰۶ ق)، **اعجاز القرآن**، بیروت: موسسه الكتب الثقافیه.

بحرانی، هاشم (۱۴۱۵ ق)، **تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: موسسه البعثه، مركز الطباعة و النشر.

بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ ق)، **معالم التزلیل**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

بلاغی، محمدجواد (۱۴۲۰ ق)، **تفسیر آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن**، قم: بنیاد بعثت.

بیضانی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، **تفسیر انوار التزلیل و اسرار التأویل**، تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ ق)، **تفسیر احكام القرآن**، تحقیق: محمد صادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳ ش)، **شرح و تفسیر نهج البلاغه**، قم: نشر فرهنگ اسلامی.

جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ ش)، **تفسیر کوثر**، قم: موسسه انتشارات هجرت.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ ش)، **تفسیر تسنیم**، قم: مرکز بین المللی نشر اسراء.

خلف الله محمد و محمد زغلول (۱۹۷۶ م)، **ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن**، قاهره: دارالمعارف.

خمینی، روح الله (۱۳۷۲ ش)، **آداب الصلاة**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۰۱ ق)، *البيان في تفسير القرآن*، بی‌جا: انواراللهی.
- دراز، محمد بن عبدالله (۱۴۲۶ ق)، *النبال العظيم*، بی‌جا: دارالقلم للنشر والتوزيع.
- ذهبی، محمدحسین (۱۳۸۱ ش)، *التفسیر والمفسرون*، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالعلم.
- رافعی، مصطفی صادق (۱۳۹۳ ق)، *اعجاز القرآن و البلاغة النبوية*، بیروت: دار الكتاب العربي.
- رجیی، محمود (۱۳۹۶ ش)، *روشن شناسی تفسیر قرآن*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رشید رضا، محمد (۱۹۹۰ م)، *تفسیر المنار*، مصر: الهیمه المصريه العامه للكتاب.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱ ش)، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، رشت: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵ ش)، *مناهل العرفان في علوم القرآن*، ترجمه محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرکشی، بدراالدین محمد بن عبدالله (۱۹۵۷ م)، *البرهان في علوم القرآن*، بیروت: دار احیاء الكتب العربية.
- زمخشري، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق)، *تفسير الكشاف عن حقائق غواصات التزلزل*، بیروت: دار الكتب العربي.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۱ ق)، *مفاهیم القرآن*، قم: موسسه الامام الصادق (ع).
- سید قطب (۱۴۰۸ ق)، *تفسيری ضلال القرآن*، بیروت: نشر دارالشروق.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱ ق)، *الاتقان في علوم القرآن*، بیروت: دارالكتاب العربي.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۴ ق)، *تفسير الدر المنشور*، بیروت: دارالفکر.
- شاطبی، ابن موسی (۱۴۱۷ ق)، *مواقفات*، عربستان: دار ابن عفان.
- شریعتی، محمد (بی‌تا)، *السراج المنیر*، قاهره: المطبعه المصريه.
- شروعی، محمد تقی (۱۳۴۶ ش)، *تفسیر نوین*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شعر اوی، محمد متولی (۱۳۸۷ ش)، *معجزه القرآن*، قم: تبیان.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ ق)، *تفسیر فتح القدیر*، بیروت: دارالكلم الطیب.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ ق)، *الفرقان في تفسیر القرآن*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۸۹ ق)، *تفسیر پرتوی از قرآن*، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان في تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، *تفسیر مجمع البیان*، بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، ابن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- طنطاوی جوهری (۱۳۵۶ ش)، *الجواهر في تفسیر القرآن*، بیروت: دارالكتب العلمیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ ق)، *الاقتصاد الهدایی الى طریق الرشاد*، تهران: مکتبه جامع چهلستون.

- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، *تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- عروسی حوزی، عبد علی بن جمیعه (۱۳۸۳ ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: مطبوعه العلمیه.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۳۸۲ ش)، *الموضحة عن جهه اعجاز القرآن*، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق)، *تفسیر کبیر*، تهران: دار الكتب العلمیه.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸ ق)، *تفسیر صافی*، تهران: مکتبه الصدر.
- قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ ق)، *تفسیر قاسمی*، بیروت: دار الكتب العلمیه.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ ش)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الكتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد (۱۴۰۸ ق)، *تفسیر الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: دار الكتب العلمیه.
- قمری، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، *تفسیر قمری*، قم: نشر دارالكتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الكافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالكتب الاسلامیه.
- کمالی ذوفولی، علی (۱۳۷۰ ش)، *شناخت قرآن*، تهران: نشر اسوه.
- کوفی، فرات (۱۴۱۰ ق)، *تفسیر فرات*، تهران: موسسه الطبع و النشر.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی‌تا)، *تفسیر المراغی*، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۹۱ ش)، *علوم قرآنی*، قم: موسسه فرهنگی تمہید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالكتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ ش)، *پیام قرآن*، تهران: دارالكتب الاسلامیه.
- نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۳ ش)، *تفسیر طبیقی*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

## Bibliography

*The Holy Qur'an;*

- Abul-Futūḥ Rāzī, Ḥusayn b. ‘Alī,(۱۹۸۶) *Rawż ul-Jinān wa Rūḥ-ul-Janān fī Tafsīr-il-Qur’ān* ,edited by Muḥammad-Ja‘far Yāḥaqqī & Muḥammad-Mahdī Nāṣīḥ. Mashhad: Bunyād-i Pažhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Rażawī.
- Abū-Ḥayyān, Muḥammad b. Yūsuf,(۱۹۹۹) *al-Baḥr al-Muḥīṭ fī al-Tafsīr* ,Beirut: Dār al-Fikr.
- Abū Ḥijr, Aḥmad ‘Umar ,(۲۰۰۱) *al-Tafsīr al-‘Ilmī līl Qur’ān fī al-Mīzān* ,Beirut :Dār al-Madār al-‘Islāmīyya.

- Abūl-Su'ūd, Muḥammad b. Muḥammad ,(۱۹۲۸) *Tafsīr al-Irshād al-‘Aql al-Salīm ilā Mazāyā al-Kitāb al-Karīm*, Cairo :al-Maṭba‘a al-Miṣrīyya.
- Ālūsī, Maḥmūd b. ‘Abdullāh ,(۱۹۹۴) *Rūh al-Ma‘ānī fī Tafsīr al-Qur’ān al-‘Azīm*, edited by ‘Alī ‘Abdul-Bārī ‘Atīyya, Beirut :Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- ‘Ayyāshī, Muḥammad b. Maṣ‘ūd ,(۲۰۰۱) *Tafsīr al-‘Ayyāshī*, Tehran: Maktaba al-‘Ilmīyya al-Islāmīyya.
- Baghawī, Ḥusayn b. Maṣ‘ūd ,(۱۹۹۹) *Ma‘ālim al-Tanzīl*, edited by ‘Abdurrazāq al-Mahdī, Beirut: Dār Ihyā‘ al-Turāth al-‘Arabī.
- Baḥrānī, Hāshim (1995), *Al-Burhān fī Tafsīr al-Qur’ān*, Qum: Bi‘that.
- Balāghī Najafī, Muḥammad Jawād ,(۱۹۹۹) *Ālā’ al-Rahmān fī Tafsīr al-Qur’ān*, Qum: Bunyād Bi‘tha.
- Bāqillānī, Abū-Bakr ,(۱۹۸۶) *Ijāz al-Qur’ān*, Beirut: Mu’assasa al-Kutub al-Thaqāfīyya.
- Bayḍāwī ,‘Abdullāh b. ‘Umar ,(۱۹۹۷) *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta‘wīl*, edited by Muḥammad ‘Abdul-Rahmān al-Mar‘ashlī, Beirut: Dār Ihyā‘ al-Turāth al-‘Arabī.
- Darāz, Muḥammad b. ‘Abdullāh ,(۲۰۰۵) *al-Naba‘ al-‘Azīm*, n.p.: Dār al-Qalam.
- Fakhr-al-Dīn Rāzī, Muḥammad b. ‘Umar ,(۱۹۹۹) *Tafsīr Mafātīh al-Ghayb*, Tehran: Maktaba al-‘Ilmīyya al-Islāmīyya.
- Fayḍ-Kāshānī, Muḥammad b. Murtadā ,(۱۹۹۴) *Al-Asfār fī Tafsīr al-Qur’ān*, Tehran: Şadr.
- Furāt Kūfī, Furāt b. Ibrāhīm ,(۱۹۴۰) *Tafsīr Furāt Kūfī*, Tehran :Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī.
- Huwayzī, ‘Abd-‘Alī b. Jum‘ā ,(۲۰۰۵) *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn*, Qum: Maṭba‘a al-‘Ilmīyya.
- Ibn ‘Aṭīyya, ‘Abdul-Ḥaqq b. Ghālib ,(۱۹۹۱) *al-Muharrar al-Wajīz fī Tafsīr al-Kitāb al-‘Azīz*, edited by Muḥammad ‘Abdul-Salām ‘Abdul-Shāfi‘ī, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- Ibn Fāris, Aḥmad ,(۱۹۸۴) *Mu‘jam Maqāṣīs al-Lughā*, edited by ‘Abd al-Salām Hārūn , Qum: Maktab al-‘Ilm al-Islāmī.

- Ibn Jawzī, ‘Abdul-Rahmān b. ‘Alī (n.d.) *Zād al-Masīr fī ‘Ilm al-Tafsīr*, Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.
- Ibn Juzayy, Muḥammad b. Aḥmad, (۱۹۹۵) *al-Tashīl li ‘Ulūm al-Tanzīl*, Beirut: Dār al-Arqam Ibn Abī al-Arqam.
- Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram, (۱۹۹۳) *Lisān al-‘Arab*, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ja‘farī, Muḥammad-Taqī, (۱۹۹۴) *Sharh va Tafsīr-i Nahj al-Balāgha*, Qum: Nahr-i Farhang-i Islāmī.
- Ja‘farī, Ya‘qūb (n.d.) *Tafsīr Kawthar*, Qum: Hijra.
- Jaṣṣāṣ, Aḥmad b. ‘Alī Abū-Bakr, (۱۹۸۵) *Aḥkām al-Qur’ān*, edited by Muḥammad-Ṣādiq al-Qamhawī, Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth.
- Jawādī Āmulī, ‘Abdullāh, (۱۹۸۵) *Tafsīr-i Tasnīm*, Qum: Isrā’.
- Kamālī Dizfūlī, ‘Alī, (۱۹۹۱) *Shinākht-i Qur’ān*, Tehran: Uswa.
- Khalafullāh, Muḥammad Aḥmad and Muḥammad Zaghlūl, (۱۹۷۹) *Thalāth Rasā’il fī I‘jāz al-Qur’ān*, Cairo: Dār al-Ma‘ārif.
- Khaṭīb Sharbīnī, Muḥammad b. Aḥmad (n.d.) *al-Sirāj al-Munīr*, Cairo: al-Maṭba‘a al-Miṣriyya.
- Khu‘ī, Abul-Qāsim (n.d.) *al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān*, n.p.
- Khumaynī, Rūḥullāh, (۱۹۹۳) *Ādāb al-Ṣalāt*, Tehran: Mu’assasa Tanzīm va Nashr-i Āthār-i Imām Khumaynī.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb, (۱۹۶۹) *al-Kāfi*, edited by Muḥammad Ghaffārī and Muḥammad Ākhundī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Makārim-Shīrāzī, Nāṣir, (۲۰۰۷) *Payām-i Qur’ān*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Makārim-Shīrāzī, Nāṣir, (۱۹۷۲) *Tafsīr-i Nimūni*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Marāghī, Aḥmad b. Muṣṭafā (n.d.) *Tafsīr Marāghī*, Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Ma‘rifat, Muḥammad-Hādī, (۱۹۹۹) *‘Ulūm-i Qur’ānī*, Qum: Mu’assasa al-Tamhīd.
- Muṭahharī, Murtadā, (۱۹۹۷) *Majmū‘a Āthār*, Tehran and Qum: Ṣadrā.
- Najjārīzādīgān, Fathullāh (2004), *Tafsīr-i Taṭbīqī*, Qum: Markaz-i Jahānī-i ‘Ulūm-i Islāmī.

- Qāsimī, Muḥammad Jamāl al-Dīn ,(۱۹۹۷) *Mahāsin al-Ta’wīl*,Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- Qummī, ‘Alī b. Ibrāhīm ,(۱۹۸۴) *Tafsīr al-Qummī* ,edited by Sayyid Tayyib Mūsawī Jazā’irī, Qum :Dār al-Kitāb.
- Qurashī ,‘Alī Akbar ,(۱۹۹۱) *Qāmūs-i Qur’ān* ,Tehran: Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
- Qurṭubī ,Muhammad b. Aḥmad ,(۱۹۸۸) *al-Jāmi‘ li Aḥkām al-Qur’ān* ,Beirut :Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- Rāfi‘ī ,Muṣṭafā Ṣādiq ,(۱۹۷۳) *Ijāz al-Qur’ān wa al-Balāgha al-Nabawīyya* ,Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusain b. Muḥammad ,(۱۹۹۵) *al-Mufradāt fī Ghārīb Alfaż al-Qur’ān* ,Beirut: Dār al-‘Ilm.
- Rajabī ,Maḥmūd ,(۲۰۱۷) *Ravish-Shināsī-i Tafsīr-i Qur’ān* ,Qum :Pazhūhishkadi-yi Hawza va Dānishgāh.
- Riḍā ,Muhammad Rāshīd ,(۱۹۹۰) *Tafsīr al-Qur’ān al-Hakīm al-Shāhīr bi-Tafsīr al-Minār* ,Cairo: al-Hay'a al-Miṣrīyya al-‘Āmma lil-Kitāb.
- Riżā’ī Iṣfahānī, Muḥammad ‘Alī ,*Pazhūhish-t dar Ijāz-i Ilmī-i Qur’ān* ,Rasht : Pazhūhish-hā-yi Tafsīr va ‘Ulūm-i Qur’ān.
- Ṣādiqī Tīhrānī, Muḥammad ,(۱۹۹۸) *al-Furqān fī Tafsīr al-Qur’ān* ,Qum: Farhang-i Islāmī.
- Sayyid Murtaḍā, ‘Alī b. Ḥusayn ,(۲۰۰۳) *al-Mūḍih ‘an Jiha Ijāz al-Qur’ān* ,edited by Muḥammad Riżā Anṣārī Qummī. Mashhad: Bunyād-i Pazhūhish-hā-yi Āstān-i Quds-i Rażawī.
- Sayyid Raḍī, Muḥammad b. Ḥusayn ,(۲۰۰۰) *Nahj al-Balāgha* ,translated into Persian by Muḥammad Daštī, Qum: Huḍūr.
- Sharī‘atī, Muḥammad-Taqī,(۱۹۷۵) *Tafsīr-i Nuvīn* ,Tehran: Daftari Nashr-i Farhang-i Islāmī.
- Shādhilī,Sayyid b. Quṭb b. Ibrāhīm ,(۱۹۹۲) *Fī Zilāl al-Qur’ān* ,Beirut and Cairo: Dār al-Shurūq.
- Shāṭibī,Ibrāhīm b. Mūsā ,(۱۹۹۶) *al-Muwāfiqāt* ,Riyadh: Dār Ibn ‘Affān.

- Shawkānī ,Muhammad b. ‘Alī ,(۱۹۹۲) *Fath al-Qadīr*, Damascus: Dār Ibn Kathīr and Dār al-Kalim al-Tayyib.
- Shī‘rāwī ,Muhammad Mutawallī ,(۲۰۰۸) *Mujīza al-Qur’ān* ,Qum: Tibyān.
- Subḥānī ,Ja‘far ,(۲۰۰۰) *Mafāhīm al-Qur’ān* ,Qum :Mu’assasa Imām Shādiq.
- Suyūtī ,‘Abdul-Rahmān b. Abī-Bakr ,(۱۹۹۳) *al-Durr al-Manthūr fī Tafsīr al-Manthūr* ,Beirut: Dār al-Fikr.
- Suyūtī ,‘Abdul-Rahmān b. Abī-Bakr ,(۲۰۰۰) *al-Itqān fī ‘Ulūm al-Qur’ān* ,Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.
- Tabarī ,Muhammad b. Jarīr ,(۱۹۹۱) *Jāmi‘ al-Bayān ‘an Ta’wīl Āy al-Qur’ān* ,Beirut: Dār al-Ma‘rifā.
- Tabāṭabā’ī ,Muhammad-Husayn ,(۱۹۹۵) *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur’ān* ,Qum :Daftari Intishārāt-i Islāmī-i Jāmi‘ a-yi Mudarrisīn-i Hawza-yi ‘Ilmīyyah-yi Qum.
- Tabrisī ,Faḍl b. Ḥasan (n.d.) ,*Majma‘ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān* ,Beirut: Dār al-Ma‘rifā.
- Tāliqānī ,Māhmūd ,(۱۹۶۶-۱۹۸۱) *Partuwī Az Qur’ān* ,Tehran: Shirkat-i Sahāmī-i Intishār.
- Tanṭawī ,Muhammad ,*al-Jawāhir fī Tafsīr al-Qur’ān* ,Beirut :Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya.
- Tūsī ,Muhammad b. al-Ḥasan b. ‘Alī ,(۱۹۸۰) *al-Iqtiṣād al-Hādī ilā Sabīl al-Rashād* ,Tehran: Chihil Sutūn.
- Tūsī ,Muhammad b. al-Ḥasan b. ‘Alī ,(۱۹۹۹) *al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur’ān* ,Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Zahabī ,Muhammad-Husayn) n.d ,(*al-Tafsīr wa al-Mufassirūn* ,Beirut: Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Zamakhsharī ,Māhmūd ,(۱۹۸۷) *al-Kashshāf ‘an ḥaqā’iq al-Ta’wīl wa Ghawāmid al-Tanzīl* ,Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.
- Zarkishī ,Muhammad b. Bahādur ,(۱۹۵۷) *al-Burhān fī ‘Ulūm al-Qur’ān* ,Beirut :Dār Ihyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Zarqānī ,Muhammad ‘Abdul-‘Azīm ,(۲۰۰۸) *Manāhil al-‘Irfān fī ‘Ulūm il-Qur’ān* ,translated by Muhsin Ārmīn, Tehran: Pazhūhishgāh-i ‘Ulūm-i Insānī va Muṭāli‘at-i Farhangī.